مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

میر عبدالواحد سادات ۲۰۲۰/۰۱/۱۲

جنگل بدون قانون
گذار قهقرایی از قانون جنگل به جنگل بدون قانون

در " ختم جنگ سرد " و سقوط اتحادشوروی ، فیلسوف ، مورخ و استاد علوم سیاسی پروفیسر فوکویاما ، " با طرح تیوری " ختم تاریخ " ، پیروزی قطعی لیبرال دیموکراسی و یا همان نیو لیبرالیسم را که امریکا دعوی علمبرداری انرا مینماید ، اعلام نمود .
اما درین (۲۸) سال خود سکانداران امریکا ، چنان احوالی را در جهان مستولی ساخته اند ، که اکنون باید از شکست امریکا صحبت کرد که بخصوص در بُعد اخلاقی متبلور میباشد .
زبان زور، زور گویی، قلدرمنشی، اغواگری، پوپولیسم و پشت پا کردن به مسوولیت اخلاقی (moral obligation) معرف این شکست اخلاقی است که اطوار و کردار " زنگی مست " (اقای ترامپ) مصداق ان پنداشته میشود .
از انجاهیکه ایالات متحده امریکا بمثابه بزرگترین امپراطوری تاریخ و با قدرت بزرگ اقتصادی و نظامی ادامه دهنده تمدن غرب میباشد ، شکست اخلاقی او ، سوال " افول تمدن غرب " را مطرح مینماید .
تمدن معاصر غرب که اروپا مهد واقعی آن و محصول غولهای فکر و اندیشه این قاره میباشد ، طی حدود پنج قرن اخیر و بعد از رنسانس و... و عبور از انقلابات بزرگ اجتماعی ، سرانجام در ورای تسلط سیستم سرمایداری ، رهگشای دولت های ملی (ملت - دولت) میگردد که در قرارداد صلح ویست فالیا (۳۷۲) سال قبل، (state system) اساسات حقوقی تنظیم مناسبات ملی و خارجی را پیریزی مینماید که بعد از جنگ های خانمانسوز جهانی " درون تمدنی) در وجود جامعه ملل و سازمان ملل متحد و با انفاذ منشور آن سازمان و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ناشی از آن ، معیار ها و موازین حقوق معاصر بین المللی تدوین گردید که بمثابه بزرگترین دستاورد تاریخ بشر در راستای گذار از " جهان هابسی " و " وضعیت طبیعی " به " قانونی مدنی " قلمداد میگردد .
توماس هابس از نخستین غول های اندیشه سیاسی است که با پیریزی اندیشه جدید علم سیاست ، بر " ضرورت تدوین قرارداد اجتماعی " تاکید میورزد و در کتاب معروف خود " لویاتان " (یا اژدهای شرور که ذکر ان در تورات رفته و مؤلف انرا بحیث نام کتابش بر میگزیند) توضیع میدارد :
" زیاد خواهی و خود خواهی، ادمیان را به جنگ همه ، علیه همه خواهد کشانید و برای جلو گیری از ان ، چاره جز قرارداد اجتماعی و دولت مقتدر نمیباشد " ، تا به " وضعیت طبیعی " که با خشونت همراه است ، وداع گردد .
در " وضعیت طبیعی " هابس، " انسان گرگ انسان " است و قویتر " حق " :
- داشتن به همه چیز را دارد
- هیچ چیز برایش غیر عادلانه و غیر اخلاقی نیست
- فقدان مفاهیم: خطا ، انصاف و عدالت است
- قانون در بی قانونی و قانون برتر از قانون برایش وجود دارد

پس :
ماهی های کلان ، ماهی های خورد را بخورید!
بدینترتیب ، بشریت در پرتو " قرارداد اجتماعی " و موازین و معیار های معاصر حقوقی از، " بدویت " وارد " مدنیت " گردیده است که باید در عرصه بین المللی و داخلی " حاکمیت قانون " ناظم و ناظر حیات ملی و بین المللی باشد .
اما در احوال کنونی " اژدهای شرور " که سالهاست به مجسمه آزادی پشت نموده است با سیطره جویی و زور گویی و موجودیت سکانداران عجول و پوپولیست همانند " بوش کوچك " و " زنگی مست " ، با تبختر انگلوساکسونی و زیر پا نمودن خشن مناشیر و موازین قبول شده یی حقوقی و اخلاقی ، " قانون جنگل " را تطبیق کرده اند و از بخت

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بد ، شاهد گذار قهقرایی به " جنگل بدون قانون " میباشیم ، که همانا بازگشت به " وضعیت طبیعی " توماس هابس میباشد .
این احوال رقتبار و اسفناك طرح سوال ، " افول تمدن غرب " را توجیه مینماید و نمایانگر این واقعیت تلخ است که ما در عصر، " زوال اندیشه ها ، مرگ ارمانگرایی ، نورمها ، معیار ها و موازین " زندگی مینماییم و از همه دردناکتر اینکه سوال و اعتراض نیز نداریم .
هرگاه سیاسیون و دولتمردان منفعل و معذور اند ، جامعه مدنی و ارباب فکر و اندیشه کجا خوابیده اند ؟
قانون جنگل (The law of the jungle) درساده ترین معنی ، " بخور تا خورده نشوی " و " کسی باقی میماند که ، قوی و غالب است " را افاده مینماید که در کتابهای " رودیار کپلنگ بنام جنگل معاشرت حیوانات جنگل را بیان میدارد .
و اما :
جنگل بدون قانون ، بدترین حالت است که ، شیر، روباه و گرگ و... بدون جایگاه تعریف شده بجان هم اند و :
گوسپندان بی خبر و... انانرا همرایی و همچون سیاسیون ما ، " اعلامیه صادر " مینمایند .
کافی است تا به " ارشادات " ، تویت ها و عملکرد " زنگی مست " (آقای ترامپ) اندکی مکث نماییم و متیقن گردیم که ، در جنگل بدون قانون ، چه سونامی هولناك بشریت را تهدید مینماید .
بعد از سلاخی اقای سلیمانی به امر رئیس جمهور امریکا ، که پارلمان عراق خروج عساکر امریکایی را از انکشور تصویب کرد ، جواب شاخدار " زنگی مست " ، بسیار رك و روشن ، این بود که :
پول های اعمار پایگاه را بدهید ! ! !
این پاسخ بقول جناب عنایت " شریف " ژورنالیست و تحلیل گر سابقه دار افغان ، همان برخورد منسوبان تنظیمی در جنگهای دهه هفتاد را به اذهان متداعی میسازد که :
موتر و بایسکل مردم را بالای خودشان قیمت میگذاشتند و بفروش میرساننددند .
آهسته ، آهسته روش و عملکرد به " فرهنگ مسلط " در قصر سپید مبدل میگردد که ، جنگها ، کشتار و قتل چهره های معروف تروریستی را ، منحیث کمپاین انتخاباتی انجام میدهند . آقای اوباما پلان کشتن اوسامه بن لادن را با شروع کمپاین های انتخاباتی مصادف ساخت و... اکنون " زنگی مست " به تعقیب نابودی ابوبکر بغدادی ، امر کشتار اقای سلیمانی و همراهان را صادر نمود ، تا هم در کمپاین دستش پر باشد و هم با پروسه " استیضاح " دفع الوقت نماید .
همین قانون جنگل و جنگل بدون قانون باعث گردیده تا دولتها با زیرپا نمودن منشور ملل متحد و موازین قبول شده حقوقی از ترور و تروریسم بحیث ابزار تحقق اهداف سیاست درعرصه داخلی وخارجی استفاده ، جنگهای نیابتی و اعلام ناشده را راه اندازی و به تروریسم دولتی متوسل گردند. ایجاد گروه های تروریستی در نیم قرن اخیر که اکنون ما با " نسل چهارم " آن (داعش) مواجه میباشیم ، نیر معلول همین نقض خشن اصول قبول شده یی حقوقی در مناسبات بین المللی میباشد .
در احوالیکه مقدرات تاریخی جهان ما و بویژه منطقه که سرنوشت ان با افغانستان مشابه و پیوند دارد (از بیروت و تا کابل و آسیای میانه و قفقاز) ، در کشمکش کلان جیوپولوتیك رقبای جهانی و منطقوی رقم میخورد ، این محور های شرارت اند که بحیث لازم و ملزوم همدیگر نقش افرینی مینمایند :
اسرائیل
سعودی
ایران
پاکستان
اجزای اهداف کلان در راستای پلانهای قرن مورد استفاده قرار میگیرند که تحت عنوان " شرق المیانه بزرگ " توسط " بوش کوچك " مطرح و تا کنون دوام دارد که در عمل شاهد نابودی دولت های مقتدر منطقه و بخاك و خون کشانیدن کشورها و مردمان مظلوم شان میباشیم .
زمینه سازی به جنگهای نیابتی بخاطر فرصت سازی به اهداف قدرتهای رقیب منطقوی در همین راستای پلان های کلان ترغیب میگردد .
کشور بزرگ ایران که متاسفانه توسط رژیم سفاك و قرون وسطایی اخوندی در معرض تباهی قراردارد ، در مسیر اغراض مذهبی و ایدیولوژیك حاکمان دجال ، رکن از مثلث شیادان سعودی و صیهونیست های اسرائیل میباشد که فی المجموع عامل تضعیف منطقه و در نهایت زمینه ساز نفوذ قدرتهای رقیب جهانی و امریکا میباشند .
سپاه پاسداران ایران در واقع مساوی به تمام اژیم اخوندی میباشد که سپاه قدس بمثابه یك سازمان مخوف و مرموز وسیله نیرومند تطبیق اهداف سیاست خارجی رژیم در منطقه ، صدور انقلاب اسلامی ، ایدیولوژی و جنگهای نیابتی میباشد .

ادامه دارد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ